

تثبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی

محمدعلی روشنی‌نژاد^۱

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد همدان

چکیده

اوستا کتاب مقدس زرتشتیان است. اوستا همچنین نامی است که به مجموعه متون مقدس دین سنتی مزدیسنا بیان گفته می‌شود و دارای بیست و یک یشت است و بهرام یشت، یشت چهاردهم به این ایزد پیروزی (ورثرغنه) اختصاص دارد که از کهن‌ترین بخش‌های اوستای متأخر بوده و دارای عناصر بدوی است. بهرام یشت از جمله یشت‌هایی است که خوب حفظ نشده است با این حال تصویر روشن و جامعی از الوهیت وی به دست می‌دهد.

بهرام یشت مشتمل بر شصت و چهار بند است که درباره تجسم‌هایی است که این ایزد به زرتشت ارائه می‌کند؛ مثل باد، گاو نر (ورزا)، اسب، شتر، گراز نر، جوان (پانزده ساله)، پرنده، قوچ، گوزن و مرد. (۱-۲۸) همچنین نیروها و هدایایی چون پیروزی در اندیشه، گفتار و کردار را که به زرتشت و کسانی که طبق آیین دینی، او را ستوده‌اند یکایک برشمرده و به آن‌ها ارزانی می‌دارد (۳۱-۳۳)؛ توصیف پر جادویی ویژه‌ای که در جنگ‌ها باعث شکست‌ناپذیری می‌شود (۳۴-۴۶)؛ و سرانجام با ستایش و یزش، این یشت پایان می‌پذیرد (۴۷-۶۴).

بهرام در عصر آریایی‌ها به دلیل نیروهای بسیارش در تمامی جنبه‌ها بدل به الگوی مردانگی شد. او همچنین دارای ویژگی‌های مشابهی به عنوان ورترهن (Vrtrahan) ایندیره ودایی است. هندی‌ها او را به عنوان بزرگ‌ترین جنگجو، عاشق‌پیشه و نوشنده ستایش می‌کردند. این خدای هندی اصالتاً شخصیت انتزاعی فرو دست‌تری داشت. ایرانیان نیز به او (ایندیره) به خاطر تمایل وافرش به نوشیدنی هوم (saoma) نسبت دیو دادند اما اعتبار، احترام و لقب ممتاز ورترهن را که در متون ودایی به عنوان «دفع‌کننده تهاجم و حمله» آمده بود، بازسازی کرده و او را به مقام ایزدی رساندند که همان شکل ورثرغنه یا ایزد جنگ ایرانیان است.

کلید واژه‌ها: اوستا، یشت، مزدیسنا، بهرام (ورثرغنه)، ایندیره، هوم

تاریخ دریافت

۹۱/۲/۲

تاریخ پذیرش

۹۱/۴/۱۵

مقدمه

یشت‌ها ستایش‌هایی هستند برای ایزدان و به همین دلیل هر یشت به نام ایزدی است که در آن نیایش می‌شود و به نام آن خوانده می‌شود. در زبان اوستایی *yašta* صفت مفعولی از ریشه \sqrt{yaz} به معنی ستودن است و معنی آن ستایش است. یشتن *yaštan* در متون پهلوی به معنی ستودن و فدیة دادن است. این معنی خود در اوستا نیز بارها آمده است. از این واژه اوستایی واژه جشن، که به معنی عید و از واژه یسنا است، در زبان فارسی به جای مانده است.

بخش یشت‌ها در اوستای متأخر ۲۱ یشت است و هر یشت به بخش‌هایی تقسیم می‌شود که «کرده» نام دارد و هر کرده برای سهولت استفاده و ارجاع اوستا شناسان به بندهایی تقسیم شده است (زرشناس، ۱۳۸۲: ۳۰).

بهرام‌یشت، یشت چهاردهم است و دارای ۶۴ بند است. این یشت از کهن‌ترین بخش‌های اوستای جدید است و دارای عناصر کهن بسیاری است. بهرام‌یشت به طور کامل محفوظ مانده است اما با این حال تصویر روشن و دقیقی از این ایزد به دست می‌دهد. این یشت در ستایش ایزد پیروزی یا «ورثرغنه» (*vrəθraγna*) سروده شده است.

ایزدانی که در یشت‌های اوستا ستوده شده‌اند احتمالاً به دوره پیش زرتشتی تعلق دارند و به این دلیل باورهای ایرانیان باستان و همچنین مشترکات فرهنگی و زبانی اقوام هند و ایرانی و آریایی به طور آشکاری در یشت‌ها قابل مشاهده است (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۳۰). برای نمونه ایندیره در هند مقام و جایگاه بهرام را دارد و او را خدای جنگ می‌نامند، البته با تفاوت‌هایی در قالب فرهنگ خاص آن منطقه که با ایزد بهرام در ایران تفاوت‌های بسیاری دارد.

بهرام ایرانی بر خلاف همتای هندی خود ایندیره (*Indra*) یا همان همتای ارمنی‌اش «وَهگَن» (*Vahagan*) اسطوره‌ای ندارد که در آن سخن از غلبه بر غول یا اژدهایی در میان باشد؛ به جای آن، بهرام بر شرارت آدمیان و دیوان پیروز می‌شود و بدکاران را به پادافراه گرفتار می‌کند (هینلز، ۱۳۸۰: ۴۰).

تفاوت‌های بسیاری بین اوستای «قدیم» که گات‌ها هسته آن را تشکیل می‌دهد، و اوستای جدید وجود دارد که می‌توان به جنبه‌هایی چون افکار دینی و مقام ایزدان اشاره کرد.

از آنجا که روحانیان زرتشتی پس از زرتشت نتوانستند خدایان و ایزدان محبوب و مقبول عامه مردم را به کلی از میان ببرند، به ناچار این ایزدان را در ردیف ایزدان مخصوص گات‌ها قرار دادند. یشت‌های قدیم را که در ستایش ایزدانی چون میثره و اردوی سور آناهیتا، ستاره تشر (شعرا یمانی)، ورثرغنه (بهرام)، خوره و فروشی‌ها «فرشته‌های محافظ دینداران» بودند با افکار و عقاید زرتشتی تطبیق دادند و علاوه بر آن یشت‌های جدیدی طبق آیین زرتشت سرودند (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۶۲).

بهرام ایزد پیروزی و همچنین پاسدار پیروزگران است. معنای دیگر آن «نابودی هر مقاومتی» است. این ایزد در اوستا بصورت *vərəθraγna-* و در فارسی میانه بصورت *warahrān* یا *wahrān* آمده است. نام او در زبان فارسی باستان نیز آمده است. این اسم غالباً به صورت اسم خاص برای جنس مذکر استفاده شده است. هویت دگرگون شده بهرام در اوستا به صورت *dāmōiš upamana* (یشت ۹ و ۱۰) بوده است و او را به عنوان نمادی از آفرینش اهورایی و موجود مشابه و ممکن از *ahuraδātahe upamana* و همسان با «چیستا»^۱ که از همراهان و یاران نخستین و مهم میترا بوده است، نمایان ساخته است (Greshevith, 1959:169).

بهرام از ایزدان بزرگ و جنگجو در دین زرتشتی است، اما هویت او از غنای باستانی و کهنی برخوردار است. عناصر پیش زرتشتی به طور کاملاً آشکار، او را به دوره هند و ایرانی نسبت می‌دهند (Thieme, 1960: 312-14). نام‌ها و القاب او در کتاب اوستا به این قرار است:

amavant- به معنی: قوی، دارای قدرت جنگاوری زیاد، *ahuraδāta-* "آفریده شده به وسیله اهورا، اهورا داده"، *barō. x'arəna-* "دارای فره"، *hvāxšta-* "دارای صلح و آرامش"، *hvāyaona-* "دارای جایگاه خوب"، *aršō. kara-* "بخشنده قدرت مردانگی"، *maršō. Kara-* "مقابله با پیری و ناتوانی"، *frašō. kara-* "شگفت‌آور". همچنین القاب *hvāyaona hvāxšta-* همراه با لقب «چیستا» به این ایزد منتسب است، در حالی که

_____ تثبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی ۳۷

القابی مثل *frašō. kara-* , *maršō. kara-* , *aršō. kara-* وی را با زروان (زرتشتی) مرتبط می‌سازد (Gnoli, 1993: 511).

در اوستا ورثرغنه دارای تمامی ویژگی‌های یک ایزد جنگجو و جنگاور است که به نوعی این شخصیت، ناشی از قدرت و نیرویی است که در مقابل هر حمله یا مقاومتی پیروز می‌شود. او یک مهاجم و قدرت مقاومت‌ناپذیر و سرسخت است که قدرت و توان جنگاوری او در حمله و یورش‌هایش آشکار است. به همین دلیل او به عنوان *vanaintī uparatāt* : «پیروزگر بزرگ» *yazatanam zayō.tēmō* : «مسّح‌ترین ایزدان»، *amavastēmō* : «نیرومندترین»، و *x'arənaḥstēmō* : «فرهمندترین» ایزدان مورد ستایش قرار گرفته است. او در جنگ‌ها به عنوان موجودی همیشه پایدار در مقابل دشمنان، انسان‌های گمراه، اهریمنان، جادوان، پریان، گوی‌ها (*kavai*) و گرپن‌ها (*karapan*) نمایان شده است.^۲

بهرام در قالب انسان و حیوان متجلی شده است. این تجلیات چندان مستند نیستند، باد سهمگین، گاوی با شاخ‌های زرّین، آسی سفید با گوش‌ها و دهانه زرّین، شتری خشمگین، گراز، جوانی در سن آرمانی پانزده سالگی، باز یا پرنده شکاری، قوچ جنگی، کل وحشی، و جنگجوی مسّح. ذکر این نکته خالی از لطف و شگفتی نیست که در اوستا برخی از این عناوین به «تیشتر» (*Tištrya*)، ستاره باران، نیز نسبت داده شده است (تیشتر یشت، بندهای ۲۰-۱۶ و ۱۳-۸)، مثل: جوان پانزده ساله، گاوی با شاخ‌های زرّین، اسب سفید و برخی عناوین دیگر مانند: *x'arənah* : فرّه، *vārayna-* : پرنده و همچنین *vayu* : باد و شتر (Benveniste and Renou, 1928: 35).

اولین عنوان «باد سنگین و شدید»، ایزد پیروزی (ورثرغنه) را به «ویو» یا ایزد باد و یا به دیگر اسطوره‌های ایرانی که دارای ویژگی‌های رزمی و جنگی هستند، مرتبط می‌سازد. پس از شرح ده تجسم از ایزدان فوق در بهرام‌یشت به فهرستی از هدایای اعطاء شده توسط بهرام (ورثرغنه) در دین زرتشتی پرداخته می‌شود. هدایای کسانی که بر اساس آیین دینی ویژه‌ای این ایزد را پرستش می‌کردند. این هدایا شامل، برتری تفکر در گفتار و کردار، نوعی استیلا و برتری در سخن‌گویی، پاسخ‌های محکم و مستدل، هماهنگ با طرح نخستین آموزه‌ها و کردارهای شفاهی هند و آریایی می‌شود.

این شواهد بیانگر پرستش بهرام (ورثرغنه) توسط زرتشتیان است که در یشت چهاردهم بندهای ۲۸ و ۳۳ انعکاس یافته است و اکثراً پیرامون تصاویر برجسته‌ای از ایزدان معروف آن زمان است که تعالیم رازآلودی داشته و موارد مشابهی در هند نیز یافت شده است. این مفاهیم به طور کلی به «جادوی پر» معروف بوده‌اند یعنی اینکه جادوگران بر اساس افتادن و یا حرکت کردن پر قوش یا باز شکاری، سحر و جادوی ویژه خود را به کار می‌بستند. در ادامه یشت چهاردهم، سرودهای دینی درباره ایزدانی ارائه شده است که قدرت و توان این ایزدان به ایرانیان منتقل شده و تمامی دشمنان آن‌ها را از بین می‌برد؛ همچون ویامبوران (vyāmburas) (= مردم ناشناخته و گمنام) که در بهرام‌یشت آن‌ها به عنوان افرادی خونریز و ستمکار معرفی می‌شوند. اینان چوب ممنوعه را می‌سوزانیدند و نیز حیوانات ممنوعه را می‌کشتند و در آئین پرستش ایزدان، پیرو آموزش‌ها و تشریفات بودند که با آن‌ها، مومنان و دین‌داران را از آموزه‌ها و باورهای واقعی دور می‌کردند. کریستن سن برخی یشت‌ها را با هم مقایسه می‌کند و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا این متون در اصل به یک یشت مربوط می‌شود، یا به یشتی دیگر؟ در برخی موارد احتمالاً می‌توان گفت که یشت چهاردهم مطالبی را از یشت‌های دیگر به عاریت گرفته است، در حالی که در دیگر یشت‌ها این مورد کاملاً بر عکس است (Benveniste and Renou, 1934: 38).

تکامل تدریجی ایزد بهرام

دانش ما از بهرام (ورثرغنه) نشان می‌دهد که عملکرد این ایزد فقط به حوزه جنگ و پیروزی محدود نمی‌شده است. این ایزد تعالیم و خصوصیات ویژه دیگری نیز دارد که ظاهری بسیار مبهم و رازآلود به آن می‌دهد و آن قدرت و توان جنسی است که با سلامت و استحکام جسمی همراه است. این ایزد به عنوان موجودی توصیف شده است که به انسان *æṛəzōiṣ xā*، روئیدن بیضه‌ها را می‌بخشد، و همچنین به عنوان کسی که بیشترین توانایی را در شفا بخشیدن دارد *baēšazyō. tēmō* یعنی «درمان‌بخش‌ترین»، معرفی شده است. در دوران جدید، بهرام اساساً به عنوان ایزد حامی برای کسانی که تحت تعالیم او ره می‌پیمایند، پرستیده می‌شود. در حقیقت تکامل دین زرتشتی تأثیر شگرفی در تحول این ایزد

_____ تثبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی ۳۹

داشته است. همچنین این تأثیر را می‌توان در نقش ورهران و بهرام در آثار دینی یعنی متون دینی پهلوی در قرن نهم دید. بی‌شک تکامل اساسی و اولیه ورثرغنه در دین زرتشتی اشاره به مفاهیم اخلاقی و عقلانی دارد. تحوّل «ورثرغنه» و «ورهران» خارج از متون و بافت بنیادین معیارهای ارزشی، دینی و اخلاقی قابل فهم و درک نیستند (Dumézil, 1985: 179).

یکی از نکات مهم برای بررسی و تحلیل قیاسی در زمینه آیین هند و ایرانیان، نام و تفسیر این ایزد است که یکی از بحث‌انگیزترین مباحث در این زمینه است. در زبان اوستایی علاوه بر نام این ایزد، اسم خنثی *vərəθraϥna-* به معنی «نابود کننده هر مقاومتی» و یک صفت *vərəθraϥan-* به معنی «پیروزمند» را داریم.

این صفت برای موجودات ایزدی مختلفی نظیر *θraētaona* (= فریدون)، *saošyants* (= سوشیانس) به وسیله زرتشتیان به کار برده می‌شود که هم‌تراز با واژه ودایی *vrtrahán* بوده و با آن مقایسه شده است. این واژه لقبی معروف است برای ایندیره (*Indra*) که یکی از هزاران شاهکار او به اسارت کشیدن اژدهای *vrtra* است. بر اساس این تفکر در زمان هند و ایرانیان ایندیره (*Indra vrtrahán*) «خدای جنگ و کشنده اژدها» وجود داشته که پاک و پالوده شده و به شکل تزکیه اخلاقی دین زرتشتی در ورثرغنه نمود یافته است که بازتاب عملکرد اوست. او به رغم کشتن اژدها، در دین جدید مورد نفرت قرار می‌گیرد. ایندیره در تحوّل اندیشه‌ها، در گذار خود از هند به ایران به صورت موجودی منفی در می‌آید و به «دیو» در مفهوم امروزی خود تبدیل می‌شود، ولی ورثرغنه که صفت ایندیره بود به ایزد مهمی به نام بهرام تبدیل می‌شود (آموزگار، ۱۳۸۳: ۲۷). گمان می‌رود که در ایران نیز آثاری از این باورها و اعتقادات حفظ شده باشد ولی در *vahagn* ارمنی‌ها به شکل اسطوره «کشنده اژدها»، ورثرغنه ثبت شده است. هر چند این ویژگی *vahagn* از دیدگاه دیگران به عنوان عامل ثانویه و یا به واسطه عوامل و عناصر محلی این‌گونه تلقی شده است. براساس نظریه دیگری در این زمینه، در اصل هر دو خدایان هند و ایرانی *vrtraghan* و قهرمان از بین برنده اژدها وجود داشته‌اند، در حالی که این ایزد در ایران همچنان تقدس ایزدی و باستانی خود را حفظ می‌کرد، در هند تصوّر می‌شد که در حال ایجاد نوآوری و

ارتقاء است تا ایندیره را به مقام و مرتبه الوهیت برساند و ویژگی‌ها و اعمال vrtraghan را به او نسبت دهند (Gnoli, 1993: 513).

چنین به نظر می‌رسد که نظریه اول و یا حداقل بخشی از آن بیشتر قابل قبول است. البته این موضوع زمانی قابل درک است که اصول اولیه الوهیت را فقط قربانی کردن اژدها ندانیم، اما نسبت به از بین بردن مانع یا سدی، مانند سد کردن جریان شدید آب، به ورثرغنه به منزله رساننده یک وظیفه آسمانی بنگریم؛ همان چیزی که در نظریه Renou, Benveniste اثبات شده است.

اثبات و نمود ماهیت ثانویه اژدها/ دیو، vrtra در مقایسه با منابع اصلی هند و ایرانی انجام می‌گیرد. هر چند می‌توان این موضوع را انکار کرد که ایندیره (Indra) از آغاز فقط یک خدا بوده و نه یک قهرمان یا اسطوره. این موضوع با توجه به ذکر نام او در پیمان نامه مشهور «میتانی» در قرن چهاردهم پیش از میلاد قابل اثبات است (Duchsne, Guillemine, 1962:177, widengren, 33f, 59f).

علاوه بر کاربرد مکرر این نام (ورثرغنه) به عنوان ایزدان و مردمان، صفت ورثرغنه شاید یک عبارت وصفی برای آتش باشد -vərəθraγan ātar- یا همان «آتش همیشه پیروز»، احتمالاً به عنوان جد و نیای

ādur ī warahrān که در کتیبه کردیر (kerdēr) آمده است و بعدها در کتیبه، آتش بهرام ذکر شده است که در تفاسیر جدید پس از دوره ساسانیان به عنوان آتش بهرام^۱ از آن نام برده شده که دلیل آن آشفتگی ذاتی صفت منسوب به نام ایزد پیروزی است. می‌گویند که آتش بهرام قاعدتاً باید بعدها خلق شده باشد و ارتباط مستقیمی با خدای باستانی ندارد. البته او در افکار دین‌داران همچنان پایدار بوده است چون ماهیت مبهم آن که با زوال رو به رشد تعالیم موبدان زرتشتی درباره رسوم و باورهای مذهبی و سنتی ایجاد شده بود در زمان ورود اسلام مزید بر علت بوده است (Gnoli, 1993: 573).

آئین دینی

ورثرغنه یکی از ایزدان اصلی در میان ایزدان ایرانیان باستان و پیروان او در دنیای تحت نفوذ دولت ایران از آغاز دوره هخامنشیان به شمار می‌آمد. این موضوع هم برای بقای پیروان

_____ تثبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی ۴۱

فرقه‌های باستانی پیش از زرتشت و هم برای ارتقاء موقعیت و مقام ایزدان در دین جدید (زرتشتی) مناسب بوده است. او به عنوان خدای جنگ و پیروزی، حامی پیروانش در جنگ بود و به خوبی با شخصیت‌های پیکارجو و اهداف عالی طبقه اشراف ارتش ایران سازگاری داشته است.

در دوران سلوکیان و پارتیان، تحت نفوذ گرایش‌های یونانی (هلنیسم)، ورثه بر اساس سبک یونانی به عنوان Ares (خدای جنگ یونانیان، هراکلیوس «هرکول») توصیف شده که به او ویژگی‌های مهم یک تجسم زنده را می‌داد، و بقایای به جای مانده از ترکیب اشکال مختلف کاملاً گواه بر این موضوع است و کتیبه‌های پادشاه آنتیوخوس اول (Antiochous I) (قرن اول قبل از میلاد) در معبد معروف نمرود شواهد روشن و صریحی از توالی سه نام مقدس ارائه می‌دهد. Artagnes (vərəθraγna)، هرکول و Ares. وسیله شناسایی ورثه از Ares در اسطوره‌شناسی که تحت نفوذ تأثیرات بابلی- یونانی وارد ایران شده، آمده است. متون پهلوی به سیاره مریخ نام wahrām را داده است به همین دلیل مطابقت‌های زیر را در مورد نام سیاره‌ها داریم: یونانی Ares، بابلی Nergal، ایرانی Bahrām/ wahrām /warahrān /vərəθraγna. در ایران باستان روز بیستم از هر ماه را بهرام می‌نامیدند، در زبان عربی آن را مریخ می‌گویند و خدای جنگ است. در زبان و ادبیات فارسی، بهرام نام روز بیستم هر ماه و هم نام سیاره‌ای در منظومه خورشیدی است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۶: ۲۱).

ترکیب اشکال متفاوت مذاهب ایرانی- بابلی- یونانی که به وسیله گسترش تعالیم ستاره‌شناسی (طالع‌بینی) که در اصل به دین زرتشتی مربوط نمی‌شد، بازتاب یافته است که بدین طریق Nergal, vərəθraγna و Ares را مطابقت داده و آن‌ها را به پدیده مهم تلفیق این اشکال مختلف که از رموز میترائیسم است، متمایز می‌کند و تشخیص هویت ورثه از هرکول به صورت یک پیشینه بازتاب یافته است (Gnoli, 1993: 513).

بهرام در ارمنستان

از سرزمین ایران، ورثرغنه به دنیای تحت نفوذ ایرانیان نیز گسترش یافت، هم به شرق و هم به غرب و همچنین به بخش‌هایی از جهان که شدیداً تحت تأثیر ایران‌گرایی قرار داشتند. ارمنستان مثال آشکاری از این حیث می‌باشد. در حقیقت ارمنستان که عمیقاً تحت تأثیر ایران پارتیان بود، ورثرغنه کاملاً مانند هرکول شناخته می‌شد. او یکی از سه معبود اصلی سرزمین ایران بوده است. دو معبود دیگر، اهورامزدا (= آرامزد) و آناهیتا (= آناهیت) که هر یک دافع اژدها بودند، با او همکاری داشتند (Chaumont, 1969: 73, 151).

بهرام در ایران شرقی

در شرق سرزمین ایران، ورثرغنه به شکل ORLAGNO در معبد خدایان مادی در کوشان نمایان می‌شود. در این معبد خدایان با بال و سر آذین شده به تصویر کشیده شده‌اند و نمایانگر دورنمایی در سمبولیسم ایرانی است که او را با فره مرتبط می‌سازد (Rosenfield, 1967: 514). دیدگاه اوستایی در مورد پرنده vāraγna- (= وارغن) که تجسمی از (ورثرغنه) vərəθraγna- و xʾarənah (فره) می‌باشد، احتمالاً چیزی ورای این سمبولیسم بوده است. همچنین در شرق ایران، معابد خدایان سغدی که شامل wšγn می‌باشد با معبود باستانی مطابقت داشته و نام wšγn به Adamas قهرمان داده شده است. ابوریحان بیرونی بدون رفتن به خارج از ایران شرقی، اسامی روزهای تقویم سغدی را آورده است. اسامی روز بیستم هر ماه به وسیله آثاری که از ورثرغنه بر جای مانده قابل توجیه است، ایزدی که به او همان روز را در تقویم اوستایی داده بودند (Gnoli, 1993: 574).

وهرام (wahrām) فارسی میانه

در متون پهلوی wahrām همنشین مهریزد، Rašn ī razestag ، wāy ī wēh ، Xwarrah ī dēn wēh ī mazdēsnañ و Aštād yazd است (آموزگار، ۱۳۸۲: ۵۳).

_____ تثبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی ۴۳

در طول سه روز اول پس از مرگ تا صبحدم چهارمین روز مرگ او (بهرام) همراه با سروش و وای وه (wāy ī wēh) روح را در سفرش به دنیای باقی همراهی می‌کنند. همراهی او با مهر، رشن (rašn) و سروش بازتابی است از تعالیمی که از پیش در اوستا موجود بوده است (Gereshevitch, 1959: 167).

علاوه بر آن با توجه به نکات ذکر شده wahrām (وهرام) معابد زرتشتیان را از یک ارتقای ویژه‌ای برخوردار می‌سازد؛ اینکه او هفتمین امشاسپند خوانده شده و پیروزگر است و اهریمن را به دوزخ فرو می‌افکند. محبوبیت بهرام همیشه در جامعه زرتشتی وجود داشته، حتی پس از دوره ساسانیان، در حقیقت بهرام همیشه موقعیت برجسته خود را به لطف دو یار دیرینه‌اش Adūr ī warahrām , vərəθrayn ātar یا همان آتش بهرام و نقش وی به عنوان حامی پیروانش، حفظ کرده است (Boyce, 1979: 89, 218).

بازتاب بهرام در هنر ایرانی

تجسم هنری بهرام، بازتاب درک شخصیت بهرام به وسیله هنرمندان از راه اطلاعات دینی و اسطوره‌شناسی در ادوار مختلف است. بهرام در اشکال مختلفی در طول تمام قرون و اعصار هنر ایرانی بر اساس هنر و معیارهای رایج هر دوره نمایان شده است. در دوران سلوکیان، پارت‌ها و اوایل دوره ساسانی او به عنوان هرکول نمایان شده است. یک پیکره مذکر عریان چوبدستی را نگه داشته است که نشان‌دهنده قدرت جسمانی اوست. بعدها در دوره ساسانی این ایزد به عنوان آتش پیروزمند ساسانیان (ātaš ī wahrām) بر روی مهرها و سکه‌ها نقش بسته و تجسم‌های متفاوت از او در یشت چهاردهم در هنر ساسانی فهرست شده است. یک مجسمه ستبر سنگی از هرکول در کنار شاهراه شرق-غرب بیستون در نزدیکی کرمانشاه حک شده که ممکن است این حقیقت را منعکس سازد که خدای ایرانیان، ایزد حامی رهروان و مسافران است. او در حالی که تکیه داده، جام شرابی در دست گرفته است و چوبدستی‌اش نزدیک پاهایش قرار دارد و یک پوست شیر در نمای بیرونی و پایین صخره وجود دارد. تاریخ این پیکره سال ۱۶۳ سلوکی برابر با ۱۴۸ پیش از میلاد عنوان شده است (Georgina Herrmann, 1977: 31).

معبد هرکول در مسجد سلیمان نیز شناسایی شده است و یک مجسمه سنگی در آنجا به دست آمده است که ایزد را در حالی که شیری را به اسارت گرفته نشان می‌دهد. تندیس‌های یافت شده هرکول در خرابه‌های عمارت سلوکی در ساحل دجله (Tigris)، در شوش، پیکره‌هایی در پالمیرا در (Dura- Europos)، در آشور معبد نمرود، بهرام را با هرکول در پیکره‌ها و سنگ نوشته‌های kallinkos مربوط به میتريداتس (Mithradates) و پسرش آنتیوخوس که تاریخ آن‌ها به قرن اول پیش از میلاد می‌رسد، برابر شمرده است.

پیکره‌های خدایان تلفیق شده ایرانی و یونانی در مجاورت تندیس آنتیوخوس در طرف دیگر تپه خاکی محل دفن او نمایان است. یکی از این خدایان به وسیله کتیبه‌ای به عنوان آرتاگنس، هرکول، Ares (خدای جنگ یونانیان) شناسایی شده است. وجود یک تندیس از هرکول در نزدیکی ردیفی از تندیس‌ها بر روی صخره‌ای در شیمبار (šimbār) در ایلام در سال ۱۰۰ میلادی برجسته و چشمگیر است.

در اوایل دوره ساسانی، بهرام هنوز به عنوان هرکول یونانی شناخته می‌شد. در تندیس کنده کاری شده مراسم اعطای مقام اردشیر اول از نقش رجب، یکی از دو تندیس کوچک که مقابل هم قرار گرفته‌اند و بین تندیس‌های اهورامزدا و پادشاه گنج‌انیده شده، بهرام است. او به صورت برهنه در حالی که چوبدستی‌اش را در دست راست گرفته است و پوست شیر در دست چپش قرار دارد، دیده می‌شود. شاید بهرام ایزدی است که حامی پادشاه آینده ساسانیان، بهرام اول است (Vanden Berghe, 1984: 126-127).

تندیس کوچک دیگری در تصویر اعطای مقام، روبروی او قرار گرفته و در حال احترام به اوست. این موضوع نیز دارای اهمیت است که پنج پادشاه ساسانی، به نام این ایزد نام‌گذاری شده‌اند.

در طول دوره ساسانی، (wahrām) وهرام به عنوان یک نام کلی برای آتش‌های مهم مورد توجه قرار داشته است. بر اساس نظریه J. Duchesne, Gillemin، ممکن است شعله‌های آتشی که محراب و تخت پادشاهی در پشت و روی سکه را احاطه کرده است همان آتش بهرام باشد. در دادستان دینیک (۷، ۳۱) مشخص است که بهرام در هاله آتش است. پرنده‌ای که روی محراب حک شده است در یک کنده کاری دوره ساسانی نیز مشاهده شده که باز پرنده بهرام است. علاوه بر این، بال‌ها روی تاج شاهان ساسانی برگرفته از پرنده

_____ تثبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی ۴۵

شکاری است که با بهرام همنشین بوده است. این نماد رابطه ویژه میان شاه و ایزد حامی‌اش، بهرام را نشان می‌دهد. این نماد اولین بار بر روی تاج بهرام دوم، که نام این ایزد را داشته، مشاهده شده است. بعدها پیروز شاه، که نامش به مفهوم پیروزی است، از این کار پیروی کرد و همچنین خسرو پرویز واژه پیروزی را در نامش جای داد. همچنین سر عقاب و گراز بر روی تاج شاهزادگان سمبل این ایزد بوده است. این موارد بیانگر آن است که این ایزد در خشن‌ترین حالتش به تصویر کشیده شده است. زیرا در این حالت او بامیثرا (یشت ۷۰، ۱۰) همراه است و در حالتی که تنه‌است در یشت (۱۵، ۱۴) قدرت وی به عنوان یک گراز مهاجم قوی آشکارا مورد تأکید است. احتمالاً نماد گراز بر روی مهری که در بیزانس برای ساختن مهر رسمی کشور مورد

استفاده قرار گرفته، شمایل بهرام است (Patkanian, 1866: 113).

دیگر نمادهای حیوانات در مهرهای ساسانی نیز احتمالاً به عنوان نمادی از بهرام شناخته شده‌اند (Brunner Christopher, 1978: 78).

نتیجه

بهرام از ایزدان مزدیسنايي و پیش زرتشتی است. هویت او از ادوار باستانی اقوام آریایی سرچشمه می‌گیرد و عناصر پیش زرتشتی به روشنی، او را به دوره هند و ایرانی نسبت می‌دهند. ایزدان دیگری چون میتره، اردوی سوره اناهیتا، ستاره تیشتر و فروشی‌ها یا فرشته‌های محافظ دین‌داران که در یشت‌های اوستا ستوده شده‌اند نیز احتمالاً به دوران پیش زرتشتی تعلق دارند.

ایندره (Indra) خدای جنگ هندیان که اسطوره‌ای اژدهاکش است طی یک فرآیند و در تزکیه‌ای اخلاقی مطابق با دین زرتشتی در ورثرغنه نمود یافته است و بدین ترتیب ایندره در گذار به دین جدید زرتشتی با هبوط اخلاقی به شخصیتی منفور یا به سخن دیگر به «دیو» (daeva) و ورثرغنه که صفت ایندره بود به ایزد مهمی به نام بهرام، خدای جنگ ایرانیان، تبدیل می‌شود. ورثرغنه چون همتای هندی خود، ایندره، هیچ‌گونه اسطوره‌ای

ندارد و به هیچ نیروی فرا زمینی چیره نمی‌شود، اما در نبرد با جنگ افروزی‌های آدمیان و بدکاری‌های ایشان همواره پیروز است.

دیدگاه روشن و متعالی اشو زرتشت در آموزه‌های دینی‌اش بر اساس توحید استوار شده بود و برای استحکام هر چه بیشتر آن اعتبار و جایگاه ایزدان پیش زرتشتی را فرو کاست و اهورامزدا یا «سرور دانا» را بر ایشان برتری داد و بدین ترتیب آموزه‌های یکتاپرستی دین خود را تدوین کرد. در یشت چهاردهم که در ستایش ایزد ورثرغنه است در گفتگوی اورمزد با پیامبر، از بهرام به عنوان «اهوره داده» (آفریده شده به وسیله اهورامزدا) یاد می‌شود که این خود بیانگر سقوط جایگاه این ایزد است ولی همزمان از همکاران برجسته و ممتاز اهورامزدا در جنگ با بدکاران و پیمان شکنان تلقی می‌شود و در این یشت به خوبی یزش می‌شود.

مغان از دیرباز در جوامع بدوی آریایی آموزه‌های دینی خود را تبلیغ می‌کردند و ایزدان با راهنمایی و پیشوایی ایشان، به وسیله مردم ستوده می‌شدند و جایگاهی والا داشتند. اقدامات و همچنین اصلاحات دینی زرتشت باعث بروز اعتراضاتی از جانب مغان شد و او را متهم به بدعت‌گذاری در دین کردند و حتی برخی کمر به قتل او بستند و لاجرم زرتشت از قبیله خود ناخواسته مهاجرت کرد، اما اصول عقیدتی محکم او در دین زرتشتی تثبیت شد. در سده‌های پس از زرتشت، موبدان زرتشتی نتوانستند این ایزدان (پیش زرتشتی) گرامی و مورد پسند توده مردم را از اندیشه آن‌ها بزدایند، لذا این ایزدان را با آموزه‌های زرتشتی تطبیق داده و علاوه بر آن‌ها احتمالاً یشت‌های جدیدی طبق آیین سرودند و به یشت‌های اوستا افزودند.

در دوره ساسانی که دولتی تئوکرات به روی کار آمد، شاهان ساسانی همواره در حال جنگ با دولت‌های دیگر بودند. در این دوره تاریخی که سراسر جنگ و گریز است، ایزد ورثرغنه اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. شاهان ساسانی، سرداران و حتی سربازان همواره برای دستیابی به پیروزی این ایزد را یزش می‌کردند. هفت تن از شاهان ساسانی «بهرام» نامیده می‌شدند و برای این ایزد نثار فراوانی می‌کردند، آتش بهرام می‌افروختند و سکه‌ها و تاج‌هایشان به نماد این ایزد پیروزی آراسته بود.

از متون کهن اوستایی و روایات دینی زرتشتیان چنین برمی‌آید که این ایزدان (پیش زرتشتی) دیگر هیچگاه جایگاه پیشین خود را به عنوان خدایی برتر نیافتند و همواره زیر

_____ تثبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی ۴۷

نفوذ قدرت و سیطره اهورامزدا و به عنوان آفریده و همکار او قرار گرفتند. بدین ترتیب ایرانیان توانستند در پرتو آموزه‌های راستین زرتشت به کیش توحیدی بی‌نظیری در دنیای باستان دست یابند و برگ زرین دیگری بر دیباچه فرهنگ پر بار این مرز و بوم بیافزایند. انعکاس این توحید کهن، که میراثی بس گرانبه بود، در تماس با ادیان توحیدی و تازه نفس اعصار بعد راهگشا و موجب اعتلای بیشتر دینی و فرهنگی ایشان شد که بررسی این ادعا خود نیازمند پژوهشی ژرف و نوین است.

پی نوشت‌ها

۱- چیستا (-čistā)

«چیستا» ایزد علم است. یشت شانزدهم موسوم است به دین یشت ولی در این یشت از دین سخنی به میان نیامده و سراسر این یشت مربوط به ایزد علم یا «چیستی» است. در اوستا این واژه به صورت چیستی -čisti و گاهی چیستا -čistā آمده است و هر دو اسم مونث هستند. چیستی به معنی دانش و معرفت است و معانی دیگر آن اندیشه و آگاهی و دستور دینی است. چیستا در سنسکریت به معنی اندیشه و تصورات و از همان ماده چیستی است. چیستی از فعل -čit به معنی اندیشیدن و آگاهی یافتن است. در اوستا مشتقات آن به صورت čistivant : به معنی دانشمند و همچنین pōuručistā (پوروچیستا) نام سومین دختر زرتشت بوده که همسر جاماسب وزیر کی گشتاسب بوده است و درگات‌ها یشت ۵۳ بند سوم از او نام برده شده است (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۵). پتوروچیستا به معنی پُردان و بسیار فرزانه است. چیستی و چیستا در تفسیر پهلوی اوستا (پازند) به فرزانی ترجمه شده است. واژه چیستا همواره با صفت عالی razišta آمده است و به معنی راست‌ترین علم است. این واژه در خورشید نیایش بند ۸ و در مهر یشت بند ۱۲۶ به معنای مقدس و عبادت کننده است و سفید و سفیدپوش تعریف شده است و قهراً ما را به سفیدپوش بودن موبدان متقاعد می‌کند که از زمان قدیم تاکنون سفید پوش بوده‌اند. زرتشت در این یشت و در بند دوم خطاب به چیستا می‌گوید، «ای دانش راست‌ترین مزدا

آفریده مقدس اگر تو در پیش باشی منتظر من بمان و اگر در دنبال باشی به من برس»
(پورداود، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

۲- کوی‌ها و کرپن‌ها (kavai-karapan)

این دو واژه به کسانی گفته می‌شده است که غالباً روحانیان مخالف زرتشت بوده‌اند. اینان در برابر درستی دین خود را به کوری می‌زدند. کوی‌ها و کرپن‌ها به ترتیب کسانی هستند که چشم دارند ولی نمی‌خواهند ببینند، گوش دارند ولی نمی‌خواهند بشنوند. همچنین در اوستا از این دو گروه پیشوایان کیش آریایی نیز یاد شده است که مراسم دینی دیوها را به جا می‌آورده‌اند و درگات‌ها زرتشت از آن‌ها مکرراً شکایت می‌کند که اسباب گمراهی مردم می‌باشند و با آموزش دروغین خویش آنان را می‌فریبند (پورداود، ۱۳۷۷: ۱۳۰).

۳- آتش بهرام Adūr ī warahrām

آتش (اُتر) ایزدی است که پسر اورمزد به شمار می‌رود. آتش روشن نشانه حضور مرئی اورمزد است. از میان سه گروه آتش دینی، یعنی آتش بهرام، آتش اذران و آتش دادگاه، جایگاه و قداست آتش بهرام ویژه و خاص است. این آتش با تشریفات طولانی و سخت آماده می‌شود و برای تهیه آن شانزده آتش را از منابع مختلف جمع‌آوری می‌کنند آنگاه ۱۱۲۸ بار آن را تطهیر می‌کنند. بدین ترتیب که هیزم را روی آتش گرفته وقتی شعله‌ور شد یک مرحله تطهیر انجام گرفته است. این کار یک سال به درازا می‌کشد. تعداد آتش‌های بهرام محدود است و به مراقبت‌های ویژه نیاز دارد. آتش بهرام خود شخصیت اساطیری است که همچون شاهی بر تخت می‌نشیند و با دیوان مینوی نبرد می‌کند (آموزگار، ۱۳۸۳: ۲۸).

_____ تثبیت جایگاه ایزد بهرام اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی ۴۹

کتابنامه

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. ۱۳۸۰. *اسطوره زندگی زردشت*. تهران: چشمه.
- ، -----، ۱۳۸۳. *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- ابوالقاسمی، محسن. ۱۳۷۵. *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.
- ، -----، ۱۳۷۶. *راهنمای زبانهای باستانی ایران*. تهران: سمت.
- بویس، مری. ۱۳۸۱. *زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها*. ترجمه عسکر بهرامی. تهران: ققنوس.
- بهرامی، احسان. ۱۳۶۹. *فرهنگ واژه‌های اوستا*. تهران: بلخ.
- پورداد، ابراهیم. ۱۳۷۷. *یشت‌ها*. ج ۲. تهران: اساطیر.
- راشد محصل، محمد تقی. ۱۳۸۲. *اوستا (ستایش‌نامه راستی و پاکی)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رشناس، زهره. ۱۳۸۲. *زبان و ادبیات ایران باستان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ژینیو، فیلیپ. ۱۳۷۲. *ارداویراف نامه*. ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار. تهران: انتشارات معین.
- کریستن سن، آرتور. ۱۳۷۴. *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۷۱. *بررسی‌ها دخت نسک*. تهران: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقات فرهنگی.
- هینلز، جان. ۱۳۸۰. *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه و آویشن.

Bartholomae, C, 1904, *Altiranisches wörterbuch*, Berlin.

Benveniste and Renou, 1928, *Dēnkard*, ed Sanjana, IX, 23-23.

-----, 1934, *Vtra et Vrθragna*, Étude de Mythologie Indo-Iranienne, Paris.

- Berghe, Louis Vanden, 1984, *Reliefs rupestres de l'Iran ancien*, Brussels.
- Boyce.M., 1979, *Zoroastrians, Their Religion Beliefs and practices*, London.
- Chaumont., M. L, 1969, *Recherches sur l'histoire d'Arménie de l'avènement des Sassanides a la conversion du royaume*, Paris.
- Christopher., J. Brunner, 1978, *Sasanian stamp seals in the Metropolitan Museum of Art*, NewYork.
- Dumézil., G, 1985, *Heur et malheur du guerrier*, Paris, 17-J.
- Duchesne- Guillemin, 1962, *la religion de l'Iran ancien*, Paris.
- Geldner, k.f, 1889, *Avesta: The sacred Books of the Persian*, Stuttgart.
- Georgina, Herrmann, 1977, *The Iranian Revival*, Oxford.
- Gnoli.,G, 1993, *Bahram in old middle Iranian texts*, Encyclopaedia, Iranica vol 3, California.
- Greshevitch., I, 1959, *The Avestan Hymn to Mithra*, Cambridge.
- Jackson.W, 1892, *Avesta Grammar*, Stuttgart.
- Patkanian., M. K, "Essai d'une histoire de la dynastie des Sassanides d'après les renseignements fournis par les historiens arméniens," JA 7, 1866.
- Reichelt. H, 1911, *Avesta Reader*, strassburg.
- Rosenfield., J. M, 1967, *The Dynastic Arts of the kushans*, Berkely and Los Angeles.
- Thieme., P, "The 'Aryan' Gods of the Mitanni Treaties," JAOS 80, 1960.